روزنامهٔ اقتصادی صبح ایران

سرمایه

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: حسین عبده تبریزی

زیر نظر شورای سردبیری

نشانی: خیابان میرزای شیرازی، خیابان نوزدهم، پلاک ۱۵
تلفن‌تحریریه: ۸۸۴۰۴۹۸۳-۸۸۸۲۱۸۲۶
تلفن‌بازرگانی: ۸۸۸۲۳۲۱۸-۸۸۲۳۲۲۵۳ نمابر: ۸۸۳۰۹۹۰۸

وب سایت: http://www.sarmayeh.net
پست‌الکترونیکی: info@sarmayeh.net

چهارشنبه ۲۴خرداد ۱۳۸۵ ● ۱۷جمادی‌الاول ۱۴۲۷ ● www.sarmayeh.net

۱۴ زوبین ۳۰۶ ● شمارهٔ ۱۹۹ ● صفحهٔ آخر

هواشناسی

شهر	حداقل	حداکثر
اصفهان	۱۶	۳۶
اهواز	۲۷	۴۶
بندرعباس	۲۵	۴۱
تبریز	۱۹	۳۴
تهران	۱۹	۳۷
زاهدان	۱۶	۳۶
شیراز	۲۰	۳۷
مشهد	۲۰	۳۶

شفای امروز

کودکان معتاد به تلویزیون و کامپیوتر

تصور دنیای مدرن، بدون تلویزیون و کامپیوتر تقریباً غیرممکن است. در زندگی امروزی مردم جهان وسایل ارتباط جمعی بخش عمده‌ای از زندگی و تفریح بشر را به خود اختصاص داده، اما تمام پزشکان و محققان مسایل کودک و نوجوان متذکر شده‌اند که اعتیاد به تماشای تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری برای کودکان می‌تواند بسیار خطرناک و مضر باشد و سعی شده که به والدین در این مورد تذکرهای لازم داده شود اما به نظر نمی‌رسد که این مسأله حداقل در طرح حل شده باشد.

یک مطالعهٔ جدید نشان می‌دهد که درصد بسیاری از کودکان کم‌سن آمریکا اعتیاد بیش از حد به تلویزیون و کامپیوتر دارند و این می‌تواند مشکلات زیاد جسمی برای آن‌ها ایجاد کند. براساس مطالعه‌ای که بنیاد خیریهٔ خانوادهٔ کایزایر انجام داده است ۳۵ درصد کودکان آمریکایی در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که تلویزیون در آن‌ها بین ۱۶ تا ۲۰ ساعت در روز روشن است، بیش از ۴۷ درصد کودکان زیر هفت سال و ۲۰ درصد کودکان زیر دو سال آمریکا در اتاق‌خواب خود یک تلویزیون دارند که می‌توانند آن را روشن و خاموش کنند و ۵۹ درصد از کودکان زیر هفت سال آمریکایی روزانه حداقل یک ساعت وقت خود را با بازی‌های کامپیوتری و سه ساعت از وقت خود را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند. این آمار از لحاظ پزشکی برای این گروه سنی مضر تشخیص داده شده و هشدار داده شده که این اعتیاد به نشستن پای تلویزیون و برنامه‌های کامپیوتری می‌تواند صدمات زیادی به دستگاه‌های بینایی و شنوایی کودک و نیز یادگیری و روانشناسی او وارد کند و باید این مسأله بسیار مهم در نظر گرفته شود.

منبع: Helth High Litgh ،۲۹ مه

روایت آخر از فوتبال

یادداشت‌های یک ایرانی مقیم آلمان (۳)

جادوی فوتبال

شکوه طاهری

فرانکفورت، چهارشنبه هفت ژوئن، ساعت ۹ صبح، روبه‌روی کنسولگری ایران.

امروز به خاطر امور گذرنامه همراه دو تن از دوستان ایرانی‌ام به فرانکفورت، شهر پرگزار کنندهٔ تیمهٔ فوتبال بین ایران و پرتغال، سفر کردم. ساعت ۹/۲ دقیقه است و غیر از ایرانیان و گروهی مشتری یک سوپر مارکت که در نزدیکی کنسولگری است، شاید کس دیگری را در خیابان‌های اطراف نتوان دید.

این بار ولی نیست که به این محل مراجعه می‌کنم، ولی بار اول است که در یک ارتفاع معین تقریباً تمام خیابان با به رنگ‌های سبز و سفید و قرمز مزین می‌بینم، نه تیر چراغ برق و نه بر دیوارها و پنجره‌ها بلکه پشت شیشهٔ اتومبیل‌ها. از هر سه ماشین پارک شده در جلوی کنسولگری حداقل یکی به این پرچم زینت و زنده مزین است و نام ایران به فارسی و لاتین در میان رنگ سبک آن می‌درخشد و مکمل این زیبایی می‌شود. تعداد اتومبیل‌های پارک شده کم نیست. در بازی فوتبال چه جادویی است!

هیچ به یاد ندارم که تمام ایرانیان بر سر یک موضوع چنین متحد باشند. همه آرزو داریم که ایران از این آزمون ورزشی، سربلند بیرون بیاید. محوطهٔ کنسولگری پر از ایرانی و چند خارجی است که هر کدام برای کاری مراجعه کرده‌اند. ایرانیان برای تجدید یا تمدید گذرنامه و یا صدور شناسنامه یا ثبت ازدواج و بالعکس یا تایید یا تکذیب مدارک و جدایی‌ها. وضع ایران خاصه خود ویژ در سالن پذیرش انتظار جمع شده‌اند. با وجود تمرکز کاری که در چهره‌ها گذه نمایان است، گونه‌ای رضایت و انتظار یک اتفاق خوب در نگاه هر کدام آشکار است. روی میل راحتی که در چند ردیف و دو به دو روبه‌روی هم قرار دارند، به انتظار نوبت می‌نشینم و به سخنان دیگران گوش فرامی‌دهم.

صحبت در مورد علل رجوع به کنسولگری کم است، بیشتر گفت‌وگوها دربارهٔ جام جهانی است. اکثریت مشغول قرار و مدار گذاشتن برای روز شنبه ۱۷ ژوئن هستند. در چندین منطقه در شهر فرانکفورت تلویزیون‌های شهری نصب شده، ولی گویا برگزیدن آن‌ها رویه‌روی ساختمان شهرداری است. همگی این محل را برای تجمع و تماشای مسابقه انتخاب کرده‌اند. از هم‌اکنون شور و اشتیاق و التهاب و هیجان در صدای آن‌ها موج می‌زند.

چه قضایی روز شنبه این میدان را احاطه خواهد کرد. حتماً دیدنی است. حالت این که ایرانیان مقیم شهرهای مختلف دیگر نیز با وجود امکانات مشابه در محل «افسنتن» قصد سفر به فرانکفورت را دارند. گویی با این کار عملاً خود را به وطن نزدیک‌تر می‌کنند. آن‌ها میزانه این فکر می‌اندازند که برنامه‌هایی را طوری تنظیم کنم که بتوانم هفتهٔ آینده من نیز مسابقه را در جلوی شهرداری فرانکفورت در میان دیگر ایرانیان شاهد باشم. این‌ها همه جادوی فوتبال است.

دو مراجعه به کنسولگری، سخت، دل همگی را سوزاندند. زیرا گرانش دادند که هفتهٔ گذشته در این نمایندگی هر ارباب‌رجوعی یک تیکوی تیمو ملی و یک برچم ایران را هدیه می‌گرفت و آن‌ها هر کدام این سعادت را یافتند. با یکدیگر قرار گذاشتند که شنبهٔ آینده با پوشیدن تی‌شرت‌ها، بقیه ایرانی‌هایی را که این شانس را نداشته‌اند، تحت تالیر قرار دهند! ولی امروز هیچ خبری از این هدیه پر ارزش نیست.

پس از پایان کارهایم در کنسولگری، هنگام خروج شاهد صحنهٔ جالب دیگری می‌شوم. خانم آلمانی مسنی حدود ۷۰ ساله چنوی تلبو اعلامات نصب شده در محوطهٔ ورودی کنسولگری، محو تماشای عکس‌های تیمو ملی ایران بود و با لحنی مهربان از نگهبان جلو در می‌پرسد که آیا این جوانان در این ساختمان فعالیت دارند؟ با تکلیم منفی جواب داده به پیروزی و سرشار از غرور، فرانکفورت را به قصد کامل ترک می‌کنم.

زاویه

ثنا حسین‌پور

sana_h_61@yahoo.com

عکس یادگاری

به مناسبت بزرگداشت فرامرز پایور

پدر سنتور ایران

سرپناه _ سما بابایی: موسیقی ایران بزرگ کم ندارد، اسامی افرادی که با آوردن استمتان تاخودآگاه باید سر در مقابل هنر الهی و آسمانی‌شان فرود آورد اما در این میان گاهی با نام‌هایی برخورد می‌کنیم که موسیقی ایران بیش از هر کس و هر چیز دیگری به آنان وامدار است و اگر نبودند، موسیقی ملی و سنتی ایران بدون شک چیزهای بسیاری کم داشت.

فرامرز قرار است به احترام یک اسطوره در فرهنگ‌سرای حسنی ارسباران گرد هم آیید. برایش آرزوی سلامتی کنیم و به یاد نوای طرب‌انگیزش سازی زنیم و در رثایش سخنی گوییم.

استاد «پایور» به دلیل کهولت سن و بیماری در این بزرگداشت شرکت نمی‌کند، اما پیام این هنرمند و فیلمی از او که برای همین بزرگداشت تهیه شده ارایه می‌شود.

نام استاد فرامرز پایور در موسیقی میهن ما با نام سنتور عجین شده است و با شنیدن نام او، مفاهیم و جلوه‌های زیبایی از موسیقی ایرانی و نواهای آبشارگونه مضراب‌هایی که حاصل قدرت و لطافت ساز او هستند، در ذهن شنونده این موسیقی نقش می‌بندد.

استاد فرامرز پایور با تسلط بر ردیف موسیقی ملی و جزییات آن، قطعات فراوانی متناسب با گونه‌های ردیف در فرمهای پیش درآمد، چهارمضراب تصنیف و رنگ به آوردند اما که در همگی آن‌ها تکنیک خاص سنتورنوازی پیشرفته ضمن محفوظ ماندن محدودهٔ فرم موسیقایی قطعات به بهترین وضع رعایت شده و در خلق قطعات مختلف، روش پالایش شده گذشتگان موسیقی به کار رفته است و با ابتکارات منطقی و قابل تقلید خود که پایه در استعداد و ذوق خلاق و دانش وسیع وی دارد، آثاری جاودانی و ماندنی و مرجع به وجود آورده‌اند. استاد پایور سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شد. پدرش استاد زبان فرانسه و علاقه مند به نقاشی بود که تابلوهای زیادی به یادگار گذاشت.

وی در سن ۱۷ سالگی آموختن موسیقی را در مکتب ابوالحسن صبا آغاز کرد و در مدت شش سال تمام ردیف‌های موسیقی ایرانی را فرا گرفت. پیشرفت او در این زمینه چنان بود که توانست بارها در کنار استاد ابوالحسن صبا، به روی صحنه رفته و آثاری را در رادیو ضبط کند.

او در طول فعالیت هنری خویش بیش از ۱۶۰۰ صفحه صوت کرده است و در این میان نیز رکورد دار است. پایور در کنار هنر والای خویش، دارای خصایل نیکوی اخلاقی بسیار است.

«کمان نمی‌کنم در این وادی، کسی که حتی نه با یک ساز که با موسیقی آشنایی اندکی هم داشته باشد قلندر و قلدری چون پایور را نشناسد. او نیازی به تعارف و تفاسیر ندارد، چون کوه دماوند، پیاسنتور، با سلیقه به هوا و فضای موسیقی ایران روح روندگی بخشیده و خواهد بخشید.»

این‌ها را «پرویز مشکاتیان» دربارهٔ استاد «پایور» گفته است.

سرپناه _ «هرگز یادم نمی‌رود در نیشابور تا صدای سنتور برشته خوش کوک، برتکنیک و برحنوای پایور پخش می‌شد، به آرامگاه خیام می‌رفتم. می‌خواهم بگویم استاد در آن زمان با دل‌های ما خیلی کار کرد، تک تاز و یگانه بود و با پیرامونش در فاصلهٔ بسیار.»

مشکاتیان معتقد است که اگر سنتورنوازان ایران را خانواده‌های فرض کنیم که این ساز را اکنون جهانی کرده اند، پایور بی تردید پدر خانواده است.

خدای را شاهد می‌گیرم که با تنظیم زیبای «خواهم که بر زلف»، هم اشک ریخته‌ام و هم به آینده موسیقی ایران امیدوار مانده‌ام. من فکر می‌کنم تا زمانی که طفلی زاده می‌شود، خداوند هنوز به بشریت امیدوار است و همین جا می‌خواهم بگویم تا پایور نفس می‌کشد، موسیقی ایرانی تپنده است.

شنیدن این حرف‌ها از زبان کسی که خود یکی از اعتبارات سنتور ایران است، نشان از احترامی است که «پایور» در موسیقی ایران دارد.

اما هیچ کلامی نمی‌تواند بیش از سخنان استاد «حسن کسایی» در این مورد کارساز باشد.

«اگر من بخواهم از هنر ارزشمند استاد پایور تعریف و تمجیدی بکنم، بالاترین تعریف‌ها و زیبایی‌ها در ساز و نوازندگی ایشان مستتر است. همین قدر بگویم که استاد پایور از سرچشمه آب برداشته و بعد از سال‌ها ریاضت کشیدن، داشتن ذوقی سرشار، اجراهایی توانمند و ابتکاراتی منحصر به فرد، جامعه جویای موسیقی و شاگردان خود را به کمال سیراب کرده است. آرزوی زندگی برای ایشان دارم و می‌گویم: جناب آقای استاد فرامرز پایور، مقام هنری شما در صدر بوده، هست و خواهد بود.»

از مهمترین آثار وی می‌توان آثار ارزشمند موسیقی ایرانی به روایت استاد عبدالله دوامی، مجموعه تصنیف‌های قدیمی از ساخته‌های عارف، شیدا، صامتی حضور و...، مجموعه آثار درویش خان و رکن‌الدین مختاری اشاره کرد.

وی در اواسط دههٔ ۴۰ شمسی در دانشگاه‌های لندن وکمبریج برنامه‌های بسیاری اجرا کرد و به این ترتیب گام‌های بسیاری در اعتلای موسیقی ایران و معرفی آن به جهانیان برداشت.

تلاش بی‌دریغ استاد پایور برای حفظ و اشاعه آثار ارزشمند موسیقی ملی ایرانی در زمینهٔ تالیف و تدوین نیز بسیار پر بار است.

گردآوری ردیف آوازی و مجموعهٔ تصنیف‌های قدیمی به روایت استاد عبدالله دوامی که توسط مؤسسهٔ فرهنگی ـ هنری ماهور منتشر شده، اهتمام در چاپ وانتشار ردیف‌های استاد صبا و تالیف منابع مختلف برای نوازندگان سنتور، از مبتدی تا عالی شامل پیش درآمد، چهار مضراب، رنگ و انواع ضربی‌ها و قطعه‌های مختلف در تمام دستگاه‌ها و آوازها بخشی از این تلاش است.

به هر روی فقط امیدواریم که آیروی سنتور ایران هر چه زودتر از بستر بیماری رها شود. برای سلامتی این دمدا می‌کنیم.

گپ آخر

حسن کامران دستجردی:

صلواتی هستیم

کیوان مهرگان

عکس: غلامرضا ملک

«حسن کامران دستجردی» از جمله نمایندگان جنجال‌برانگیز این دورهٔ مجلس است. وی به اتفاق همسرش «نیره اخوانی‌بی‌طرف» دو نماینده از سه نمایندهٔ اصفهان هستند. حسن کامران هر وقت عازم تریبون مجلس است یا میکروفن تذکرش روشن می‌شود سریع صدای «دو دو» نمایندگان دیگر در مخالفت با نطق ایراد نشدهٔ کامران بلند می‌شود.

این «دو دو» گفتن‌ها و واکنش کامران به این مخالفت‌ها آغاز طرح پرسش‌هایی گپ آخر با وی است.

هر وقت شما می‌خواهید نطق کنید یا تذکر بدهید نماینده‌ها «دو، دو» می‌گویند، این نشانهٔ چیست؟

یک عده خوشی می‌کنند. یک عده از نمایندگان هم از تذکرات من دربانی می‌آید.

چرا؟

چون من اعتقادم این است که نمایندگان مجلس باید مجالی کار کنند. وکیل، وزیر و قاضی همه باید مجالی کار کنند. مجلس هفتم روز اول نیز بنابش این بود که وکلا (ارزشی باشند، حتی گفتند اگر گل سر قبر امام بریم اسراف است اما حالا بر عکس شده است. بنده از هیچ یک از امتیازات مجلس استفاده نمی‌کنم یعنی قرض می‌گیرم وکیل نیستم.

هزینهٔ زندگی را از کجا تأمین می‌کنید؟

من معلم هستم و ربطی به مجلس ندارد.

با چه وسیله‌ای تردد می‌کنید؟

با سیستم حمل و نقل عمومی. نه من و نه سرکار خانم اخوان‌ان‌نیستیم دو ماشین، دو دستگاه آپارتمان، دو موبایل و دو پاداش داشته باشیم اما هیچ‌کدام را نگرفتیم. ما صلواتی هستیم. به خبرنگاران اجازه دادم به پروندهٔ من در کارگزینی رجوع کنند.

با خانم اخوان هم مانند شما فکر می‌کنند؟

ایشان در این مسایل بهتر از من است.

منزلتان کجاست؟

نارمک

سندش به نام خودتان است؟

بله!

چند متر است؟

یکصد و ۱۰ متر.

همین یک ملک را دارید؟

یک منزل دیگر هم اصفهان داریم که حاج خانم از سهمیهٔ معلمی تهیه کرده‌اند.

مهریهٔ خانمتان چیست؟

یک جلد تفسیر قرآن.

کارتان به دعوا که نکشید؟

وقتی با هم اختلاف پیدا می‌کنیم، استخاره می‌کنیم.

ماموره دارید؟

آدرس هم‌ببایید از هر کجای این منزل خواستید عکس بگیرید.

وقتی تذکر می‌دهید، خانم اخوان که «دو، دو» نمی‌گوید؟

نه با همراه هستیم.

ناراحت نمی‌شوند وقتی نماینده‌ها «دو، دو» می‌گویند؟

از خودشان بپرسید. ولی ما زندگی مشترک را که آغاز کردیم با یک موکت بود و اقلامی دست‌دوم که هنوز هم آن‌ها را استفاده می‌کنیم. یعنی خانم ما هم مزاح ماست. همراهی دارد.

گرانقیمت‌ترین ماشینی که تاکنون سوار شده‌اید چه بوده؟

یک پژو قدیمی که به پول آخوندی معروف است. همان را سوار می‌شویم. ماشین دیگری سوار نشده‌ایم.

کشور خارجی رفته‌اید؟

بله!

اصلاً؟

یک بار رفتیم پاکستان برای سیاه، سفر کاری هم اگر رفتیم ارز هم نگرفتیم. چون اعتقاد داریم حکومتی‌ها وقتی می‌روند ارز نگیرند. سرکار خانم اخوان دوره پنجم وقتی مصر رفت ارز نگرفت.

خانم اخوان هم مانند شما فکر می‌کنند؟

ایشان در این مسایل بهتر از من است.

منزلتان کجاست؟

نارمک

سندش به نام خودتان است؟

بله!

چند متر است؟

یکصد و ۱۰ متر.

همین یک ملک را دارید؟

یک منزل دیگر هم اصفهان داریم که حاج خانم از سهمیهٔ معلمی تهیه کرده‌اند.

مهریهٔ خانمتان چیست؟

یک جلد تفسیر قرآن.

کارتان به دعوا که نکشید؟

وقتی با هم اختلاف پیدا می‌کنیم، استخاره می‌کنیم.

ماموره دارید؟

آدرس هم‌ببایید از هر کجای این منزل خواستید عکس بگیرید.

فرهنگ

«دیباج» از جوهرت مکان می‌گوید

سرپناه _ «دکتر سیدموسی دیباج» درباره «پرسش بنیادین از جوهریت مکان» سخن می‌گوید.

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ساعت ۱۶ فردا (پنجشنبه ۵ خرداد) نشستی با عنوان درباره مکان (پرسش بنیادین از جوهریت مکان) برگزار می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این نشست به مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفه واقع در خیابان ولی‌عصر، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان وارطان آراکلیان مراجعه کنند.

دیهیمی از لیبرالیسم می‌گوید

سرپناه _ «خشایار دیهیمی مترجم و محقق حوزهٔ فلسفه و علوم سیاسی در نشستی با عنوان «لیبرالیسم: امروز، امروز و فردا» سخنرانی می‌کند.

این نشست اولین جلسه از سلسله نشست‌های فصلی مؤسسهٔ معرفت و پژوهش است.

علاقه‌مندان می‌توانند ساعت ۱۲ فردا (پنجشنبه ۲۵ خرداد) به محل این مؤسسه واقع در خیابان ۱۶ آذر، کوچه بهمان، پلاک ۳۶، طبقه دوم مراجعه کنند.

خبر آخر

کمیتهٔ تحقیق و تفحص آزمون دستیاری وزارت بهداشت تایید کرد:

سؤالات کنکور لو رفته است

سرپناه _ «کمیتهٔ تحقیق و تفحص کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در جلسهٔ نهایی خود ضمن تصویب احیای معاونت پرورشی و تلفیق آن با معاونت تربیت بدنی مقرر کرد، سازمان درمان، با اجماع نظر لو رفتن سؤالات را تایید کرد.»

شهریار مشیری عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ضمن بیان این مطلب افزود: «در مورد در این جلسات بررسی شد، یکی تقلب صورت گرفته در آزمون که توسط یکی از کارمندان وزارت بهداشت و درمان انجام شده و دستگاه قضایی هم به موضوع رسیدگی کرده بود.»

وی گفت: «موضوع دو کمیسیون این بود که دستگاه قضایی در این رسیدگی کمکاری کرده است. این مورد خارج از وظایف کمیسیون است و در حضن مجلس قرارات نمی‌شود. «مشیری تاکید کرد: «موضوع کمکاری دستگاه قضایی به کمیسیون آموزش مربوط نمی‌شود و اگر با یا باشد مرجعی رسیدگی کند کمیسیون اصل ۹۰ باید باشد. در مورد لو رفتن سؤال‌ها باید در صحن مجلس علنی قرارات می‌شود و پس از آن وزارت بهداشت و درمان باید پیگیر شکایت از طریق مراجع مربوطه باشد.»

سازمان دانش‌آموزی زیرنظر معاونت پرورشی قرار گرفت

سرپناه _ کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس سرانجام در جلسهٔ نهایی خود ضمن تصویب احیای معاونت پرورشی و تلفیق آن با معاونت تربیت بدنی مقرر کرد، سازمان دانش‌آموزی از این پس زیرنظر معاونت پرورشی به فعالیت ادامه دهد.

هاجر تحریری، نایب رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفت‌وگو با روزنامه سرمایه در این باره گفت: «به این ترتیب معاونت تربیت‌بدنی و سازمان دانش‌آموزی زیرنظر وزیر فعالیت خواهند کرد.» همچنین شهریار رشیدی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در این باره گفت: «سازمان دانش‌آموزی که یک NGO است زیرمجموعهٔ معاونت پرورشی قرار می‌گیرد اما تلاش می‌شود که سازمان دولتی نشود.»

وی افزود: «اساسنامهٔ سازمان دانش‌آموزی تغییر نخواهد کرد چون مصوب شورای عالی فرهنگی است و با همان تفکر به فعالیت ادامه می‌دهد.» به گفتهٔ عضو کمیسیون آموزش، معاونت جدید تحت عنوان معاونت «دانش‌آموزی و امور فرهنگی» تشکیل می‌شود.

چراغدار

علیه ناامیدی

Mortezakazemian@yahoo.com

مرتضی کاظمیان

هنوز «خرداد» است و چند روزی بیشتر از ۱۸ خرداد نگذشته از دوم خرداد هم. خرداد، مشحون است از حادثه‌ها؛ از آن میان برای فعالان سیاسی و دانشجویی و فرهنگی و مطبوعاتی، به حتم دوم خرداد ۷۶ و ۱۸ خرداد ۸۰ روزهایی فراموش ناشدنی‌اند؛ خاطرات خوش یا ناخوش، این دو روز و تحولات مترتب بر آن‌ها به این زودی محو نخواهند شد.

اما در ایام‌اخیر «ناامیدی» از اصلاحات پاس از پیشرو «جامعهٔ مدنی» گسترش یافت.

این «ناامیدی و یاس» در اشکال گوناگون، نظیر مهاجرت به خارج، راه کردن فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و کوشش‌های اجتماعی، کوشکیری و انزوا و افسردگی و... خود را آشکار کرد. در این مختصر، نمی‌خواهم از میزان و عمق و سطح این ناامیدی یا علل و پیامدهای آن بگویم؛ سخن، بر سر ضرورت پرهیز و اجتناب از یاس و ناامیدی است، آن که «مؤمن» به هدف است و ارزش‌ها و اصولی را باور کرده است و فهم، همواره - باید «امیدوار»، گام بردارد و یاس و ناامیدی را از خود براند؛ گرد مرگ می‌پراکند، ناامیدی ...

می‌گویند - داستانی است - روزی شیطان تصمیم گرفت که دست از کار خود بشوید. پس لوازم و ابزارهای کارش را به حراج گذاشت.

خشم و خشونت، دروغ و ریا، فریبکاری و هوسرانی، بی‌تدبیری و ستم، تجاوز و تزویر، از جمله این ابزارها بودند. اما در این میان، او یکی از کهنه‌ترین و قدیمی‌ترین وسایل کار خود را بیشترین قیمت، عرضه کرده بود. «ناامیدی» گران‌ترین و ارزان‌ترین شیطان بود؛ هرچند که در ظاهر، ساده‌ترین و کهن‌ترین وسایل کارش، «قصه‌های کهن»، بی‌ربشه نیستند؛ آدمی به تجربه آموخته است که «ناامیدی» خطرناک‌ترین حالات برای زندگی بالنده و سبز است و بهبوده نیست که «مؤمنان» - آگاهان و باورمندان؛ ارزش‌ها و هدف‌های والا و افق‌های ماندگار - دورترین افرادند از «ناامیدی»، و پیوسته می‌کوشند که خود را از آفت‌های یاس و ناامیدی، دور بدارند.

امام علی ابن ابیطالب (ع) ناامیدی را بدترین گناهان می‌داند. در سورهٔ یوسف، آیهٔ ۸۷ آن جا که یعقوب، فرزندانش را به جست‌وجوی یوسف امر می‌کند، تصریح شده است: «از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران، کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.»

کافی است، شبی را تا سحر بیدار باشید؛ هیچ چیز شگفت‌انگیزتر از رویت درهم شکستن تیرگی و سیاهی شب، و روشن شدن تدریجی آسمان نیست. اگرنه به یک باره، ولی آرام، چنان نوری همه جا را در برمی‌گیرد که وجد و شعف و شادی ناشی از رؤیت این دگرگونی عظیم، وصف ناشدنی است. می‌شود «دو چشم بینا» می‌خواهد ...

بهانه‌ها و اوضاع و لوازم برای «ناامیدی و یاس»، یکی دو تا نیستند. اما آن که «پایان شب سیه» را نه یک بار که بارها، در هستی، در تاریخ، در این جا و آن جا، به چشم خود دیده است، لحظه‌ای - حتی لحظه‌ای - تن به ناامیدی و دل به یاس نمی‌دهد. و از همین روست که پیرمرد دهقان، به رغم همهٔ کهولت، فرسودگی و ضعف، تن به سرما و سوز پاییز و خشونت زمستان می‌زند و چنگ به زمین خشک و یخ زده و فرشده فشرده؛ بذرها را بارها و بارها، بار را تجربه کرده است، آن‌چنان که صدای خوش پرستوهای شاد را و عطر شکوفه‌ها و رنگ زیبا و با طراوت سبزه‌ها را ...

راستی! روزی، روزگاری والتر بنیامین، از اندیشمندان مکتب انتقادی، نوشته بود: «تنها به خاطر آنان که این روزها امید خود را از دست می‌دهند، نور امید در دل‌های ما تابیدن گرفته است.» امیدوار باشیم!

قهوهٔ قجری

یکصدمین سال مشروطه

جاهل یا خائن، مساله این است

بابک بهی

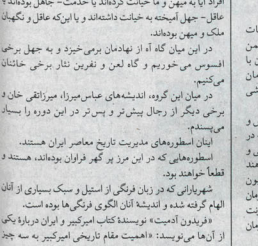

چندی است این ستون که از کتاب‌های گوناگون انتخاب شده از دوران قاجار و صدر مشروطه نوشته می‌شود که سعی در بیان برخی کارهای افراد نام‌آوردار در آن دوره دارد.

باور کنید که حتی اگر تاریخ دان هم نباشید و بیشتر از چند کتاب یا نوشته هم در این باره نخوانده باشید می‌توانید در بسیاری از موارد قضاوت کنید، البته امرزی به قضاوت حرفه‌ای نیست، اما با نگاه دقیق به حرکات برخی از این افراد، می‌توان دریافت که این افراد آیا به مهین و ما خیانت کرده‌اند یا خدمت، جاهل بوده‌اند یا عاقل - جهل آمیخته به خیانت داشته‌اند و یا اینکه عاقل و نگهبان ملک و میهن بوده‌اند.

در این میان گاه آدار نهادمان برمی‌خیزد و به جهل برخی افسوس می‌خوریم و گاه لعن و نفرین نثار برخی خائنان می‌کنیم.

در میان این گروه، اندیشه‌های عباس‌میرزا، میرزاتقی خان و برخی دیگر از رجال پیش‌تر و پس‌تر در این دوره را بسیار می‌بینیم.

اینان اسطوره‌های مدیریت تاریخ معاصر ایران هستند. اسطوره‌هایی که در این مرز پر گهر فراوان بوده‌اند، هستند و قطعاً خواهند بود.

شهریارانی که در زبان فرنگی از استیل و سبک بسیاری از آنان الهام گرفته شده و اندیشهٔ آنان الگوی فرنگی‌ها بوده است.

«فریدون آدمیت» نویسندهٔ کتاب امیرکبیر و ایران در پایهٔ یکی از آن‌ها می‌نویسد: «اهمیت مقام تاریخی امیرکبیر به سه چیز بستگی دارد:

۱- نوآوری در راه نشر فرهنگ و صنعت جدید

۲- پایداری هویت ملی و استقلال سیاسی ایران در مقابله با تعرض غربی

۳- اصلاحات سیاسی مملکتی و مبارزه با فساد اخلاق مدنی.»

به نظر می‌رسد این سه کار هنوز هم درمانگر این کشور است.